

افسانه شهین



نشر نیلوفر

www.ketab.ir



شیدبوم

شایسته است با خواندن کتاب بر خردمندی خویش بیفزاییم

پارسی، شاهین، ۱۳۴۹-	سرشناسه
افسانه شاهین/ شاهین پارسی	عنوان و نام پدیدآورنده
کرج: شیدبوم، ۱۳۹۳.	مشخصات نشر
ص: ۲۱۶	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۰۰-۹۳۶۳۴-۱-۴	شابک
فیفا	وصفیت فیلم ست نویسی
داستان های فارسی - قرن ۱۴	موضوع
۱۳۹۳ الف/۴۴۸ الف/ PIR۷۹۸۱	رده بندی کنگره
۸۱۳۳/۶۲	رده بندی دیویی
۳۵۸۲۱۴۴	شماره کتابشناسی ملی

افسانه شهین

نویسنده: شاهین پارسی
نوبت چاپ: نخست - سال چاپ: ۱۳۹۳ (بهمن ماه)
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
چاپ و صحافی: پردیس دانش
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۶۳۴-۱-۴ - بهار: ۹۰۰۰ تومان
حروفچینی و صفحه آرایی: منبژه قنبری
طراحی جلد: باتو لاریبا معزی
مدیر اجرایی: حسین قنبری

نشانی ناشر: کرج - حسین آباد مهرشهر؛ خیابان ولی عصر؛ کوچه بخشی؛ پلاک ۵۳

تلفن - فکس: ۰۲۶۲۲۲۲۴۷۶۵

نشانی اینترنتی: www.shidboom.ir

ایمیل: shidboom@gmail.com

یادداشتِ ناشر

داستان‌پردازی در کشور ما پیشینه‌ای دیرینه دارد. واژه داستان ریشه در واژه کهن دات دارد. این واژه را ترجمه‌کنندگان اوستا به چند گونه ترجمه کرده‌اند: داده، بخشیده، ساخته، آفریده، گماشته، داد، داوری، بخشنده، دهنده، آفریننده.

از این ریشه، واژه داتیستان ساخته شده است که در زبان روزگار ساسانیان به دادستانی داور دادگاه گفته می‌شد. داور دادگاه از دادخواهنده و دیگری و هر کس که از رویداد آگاه بود، می‌خواست که آنچه از رویداد پیش آمده می‌دانند به او بگویند. داور دادستان سخنان آنان را می‌شنید و به یاری خرد، درستی یا نادرستی داستان‌های گفته شده را درمی‌یافت و اگر سخنان دادخواه را راست و درست می‌یافت، پیرو دادهای روای روزگار، داد او را از دیگری می‌ستاند و گناهکار را دچار پادافره می‌کرد.

واژه پارسی داستان ساده شده واژه باستانی داتیستان است. بدین‌روی می‌توان داستان را بازگو کردن رویدادهای گذشته دانست. در باور سخنوران بزرگ ایران‌زمین نیز داستان چنین چیزی بوده است و آن را با دروغ‌پردازی و افسانه یکی نمی‌دانستند. فردوسی، سراینده شاهنامه، درباره داستان‌هایی به جای مانده از روزگاران باستان می‌گوید:

تو این را دروغ و فسانه مخوان به یکسان روشن زمانه مدان
از او هرچه اندر خورد با خرد دگر بر ره رمز معنی برد
تو یسنده داستان به چشم داستان‌سرای نامدار، پژوهنده‌ای است که درباره آنچه از گذشته به جا مانده پژوهش می‌کند تا داستانی درست بازگو کند:

پژوهنده نامۀ باستان که از پهلوانان زند داستان
چنین گفت که آئین تخت و کلاه کیومرث آورد و او بود شاه
آنچه اکنون به داوری خوانندگان گرامی سپرده شده، داستانی است از روزگاران گذشته ایرانشهر که با برداشت‌هایی افسانه‌ای و پندارهایی ساختگی

۲۰۱		تنبه سبب
۱۷۲		تنبه سبب و آواز
۱۲۴		آوردن
۱۰۰		دادن
۸۰		گواه گرفتن
۳۹		چشمه
۹		دلداد